

لاسک - پرژدبورژ - مخوو - کوشیتسه - دونایونس - کاریات - (Uniejow - Lask-Pjedborj-Miechow Cochitse-Dunajec-Carpathes) رسیدند .

در کنار رود «نارو» بین «نسخانو» (Tsekhanov) و پلونسک (Plonsk) برای تأمین جناح راست تمام آرایش، بجای ارتش ۲ که بسمت «ورشو» عقب برده بودند ، روز ۲۴ اکتبر ارتش جدیدی تشکیل دادند (با ستاد ارتش یکم) ، ولی برای عملیات در سمت «نمان» ارتش ۱۰ مأمور شده و ارتش مزبور امر شد (۲۹ اکتبر) که دشمن را بقب خط دریاچه های «مازوری» براند و از جانب «ویستول سفلی» برای خود راهی باز کند .

این موضوع باعث شد که ارتش ۱ روس آلمانها را مواضع دریاچه های «مازوری» را بد، و ارتش یکم هم آنها را بخط پیدبورگ - سلدائو (Neidenburg-Soldau) عقب نشاند

ولی هیندنبورگ از خطوط مفصل راه آهن استفاده کرده و عملیات جدیدی در شمال لهستان تهیه دید که توجه روسها را کاملاً بخود جلب نمود .

نتیجه

عملیات فوق برای طرفین در کیفیات مختلفی جریان یافت :

برای روسها این عملیات توسعه نقشه اساسی جنگ بود ، لذا پس از ختم شکست اطریشها بلادرنگ اقدامات لازم جهت تمرکز قوا در ناحیه «ورشو» ایوانگوروده بمنظور تعرض بمرکز آلمان بعمل آوردند .

برای آلمانها این عملیات برخلاف نقشه جنگ بود ، چه نقشه مزبور اعرام حداقل قوا را بشرق ایجاب میکرد .

نقشه روس از آغاز عملیات تا آخر يك منظور را نقیب میکرد و آن اجرای ضربت از سمت «ورشو» بود ، نقشه آلمان سه طرز تدریجی بخود گرفت : ضربت

بجناح راست ارتشهای روس نزدیک «ساندو پیر» ، حمله بجانب «ورشو» و تهیه دام در «پلیتسا» ولی هیچیک از این طرحها با توفیق انجام نگرفت .

عملیات روسها از روی احتیاط زیادی بود ، در صورتیکه آلمانیها در عملیات خود تهور بیشتری بروز میدادند . اما هر دو صورت ، عملیات با صفات و استعداد ما بوری ارتشهای مربوطه تناسب کامل داشت . خصوصاً برای آلمانیها که با کیفیات مساعدتری بزرگترین بود ، چه بطوریکه «موزر» مینویسد: فرماندهی آلمان از بیات و مقاصد فرماندهی روس قبلاً استحضار حاصل کرده و از محاطر آنیکه متوجه آلمانیها میگرددید بموقع آگاه میشد .

در هر صورت آلمانیها بوسیله تعرض خود سه مقصود مهم را انجام دادند : از تعرض روسها «سیلری» جلوگیری کردند ، ارتشهای روس را در مسافت طولانی بمحاربه کشانده و آنها را وادار به گسترش تمام بروی خود نمودند ضمناً آرایش آنها را پایبند سمت معینی کردند و بدین ترتیب ، برای روسها نقل و انتقال سریع قوای مهم بواسطه فقدان خطوط آهن غیر ممکن میگرددید .

جبهه صربستان (نقشه شماره ۵)

سابقاً گفتیم که صربیه در پشت رودخانه «دریانا» مدت دو ماه از تعرض اطربشیهها جلوگیری کردید . ولی عاقبت علت تصرف شدن مهمات و شدت یافتن تهدید اطربشیهها در کار محاصره اچار روز ۱۷ و امبر شروع عقب نشینی سمت مشرق نمودند . عقب نشینی ایشان با کمال ظم انجام میگرفت ، و بوسیله حملات متقابله دشمن را در يك فاصله قابل توجهی از خود دور نگاه میداشتند صربیهها از ۲۰ تا ۲۹ نوامبر در کنار رودخانه «کولوبرا» (Koloubra) چندین محاربه نموده و پس از آن عقب نشسته و تا ۲ دسامبر بناحیه بین «دایوب و موروا و صرب» (Morawa Serbe) رسیده و در مواضع مستحکم کسمائی (Kosmai) و «رودینک» قرار گرفتند .

ورود عثمانی به جنگ

هنگام جریان وقایع فوق متفقین با عدم موفقیت جدید دیپلوماسی مواجه گشتند: دولت عثمانی، که مدتها بود تحت غوزآلمان واقع شده بود، روز ۳ نوامبر علناً در صف متحدین داخل جنگ گردید.

این واقعه صورت جنگ را بطریق ذیل تغییر میداد:

- ۱- یکقسمت از نیروی روس متوجه جبهه دریای سیاه و قفقاز میگشت.
 - ۲- کوتاه ترین خط مواصلات روسیه با خارج و متفقین قطع میشد.
 - ۳- آلمان بمواد خام عثمانی دسترسی حاصل میکرد.
 - ۴- موجودیت صربستان در مخاطره واقع میشد، چه در خط مواصلات بین دول مرکزی و عثمانی قرار گرفته بود.
 - ۵- محیط جنگ جهانی توسعه مییافت؛ زیرا شرکت سایر دول بالکان در جنگ نیز مسلم میگردد، بعلاوه جبهه مهم جدیدی در قسمت آسیای عثمانی ایجاد میشد که طرف توجه سیاست استعماری فرانسه و انگلیس بود.
- متفقین در قبال اقدام دولت عثمانی بعملیات ذیل پرداختند: نیروی روس فوراً از سمت قفقاز داخل خاک عثمانی شد، استحکامات داردانل (Dardanelles) مورد بمباردمان قرار گرفت، ارتش انگلیس در خلیج فارس بصره را تصرف کرد، چندی بعد (۱۷ دسامبر)، انگلیس در پاسخ نمایش عثمانی در شبه جزیره سینائی (Sinai)، مصر را تحت الحمايه خود اعلان نمود.
- از سال ۱۹۱۵ عملیات مهمتری بر ضد عثمانی شروع شد.

نتیجه مربوط به تمام مرحله

این مرحله جنگ بین الملل که خاتمه یافت متضمن عواقب مهمی بود:

- ۱- در صحنه غرب معلوم شد که وسایل و نیروی طرفین مساوی است. طرفین با اتصال جناحین خود بدریا و سرحد سویس فاقد فضای لازم برای مانور گشته

و پس از تحلیل قوا در سنگرها فرو رفتند و در صدد تجدید قوا بر آمدند. از آن تاریخ جنگی که باعث تحلیل قوا و بکار بردن ادوات فنی بود یعنی جنگ موضعی با تمام مختصات آن، که اروپا از آن جهت آماده نبود، شروع شد.

۲ - در صحنه شرق ارتش روس به جبهه چنستوخوو (Czenstochau) کراکوی (Cracovie) پیش رفته و با تهدید سیلزی (Silésie) و مراوی (Moravie) در گالیسی مستقر شده و تعادل را در پروس شرقی برقرار نمود.

۳ - برای آلمان محرز و مسلم گردید که ارتش اطریش در شرق قادر بر جلوگیری از ضربت نیروی مهم روس به آلمان نیست. این کیفیت بهانه ای بدست هیندنبورگ داد که انتقال مرکز ثقل را به شرق خواستار شود (در آن تاریخ هیندنبورگ فرماندهی کل جبهه شرق منصوب شده بود) در هر صورت این موضوع موجب انتقال يك قسمت از نیروی آلمان به جبهه روس گردید.

۴ - آلمانها در صحنه شرق با عدم توفیق مواجه گشتند ولی مغلوب هم نشدند. ضمناً آنها بواسطه داشتن خطوط آهن میتواند نیروی خود را سریعاً بسمت طلب سوق دهند. ارتشهای روس در يك جبهه طولی پایبند نقاط معینی گشته و برای آنها تقسیم بندی مفصل نیرو بعلت فقدان خطوط آهن مستلزم مدت زیادی بود.

۵ - راجع با اهمیت ورود عثمانی به جنگ نیز در فوق اشاره شد.

بخش هشتم

جریان جنگ در سال ۱۹۱۴

(از عملیات لُدز تا آخر سال)

صحنه شرقی: عملیات لُدز - عملیات در پهلوها: در گالیسی
و پروس شرقی - صحنه غرب - صحنه صربستان -
عملیات دریائی - جنگ مستعمراتی در آفریقا - نتیجه
جنگ سال ۱۹۱۴

صحنه شرقی : عملیات لُدز (نقشه شماره ۱۷)

عملیات ماه اکتبر در لهستان و گالیسی برای هیچیک از طرفین نتیجه قطعی
نداشت. گرچه متحدین شکست سخت دیدند ولی همگی ارتش خود را حفظ نمودند
چه بموقع آنرا عقب بردند و برای عملیات آنی آماده کردند (مخصوصاً آلمانها).
نیروی روس در ضمن تعرض خود زیاد متفرق گشت، قوای احتیاط استراتژیک
خود را بمصرف رسانید، و تشکیل يك خط داد و آن نیرومرکز بطرف «کراکوی»
در سمت جنوب غربی پیش رفت و منظورش تعاقب دشمن و ادامه تعرض بجانب برسلاو
(Breslau) بود. نیروی روس در این حرکت خود، بسمت جنوب منحرف شده و فضای
پن ویستول و وارنا (Wartha) را باز گذاشته و جناح راست خود را بجاو برد. چون
آلمانها راه آهن را سخت خراب کرده بودند لذا این مسئله باعث تأخیر و کندی حرکت
روسها گردیده امور عقب سر نیرو را دچار اختلال نموده بود.

نقشه طرفین (نقشه شماره ۱۷)

چون آلمانها در جبهه شرق نیروی آزادی داشتند و جناح راست جبهه روس هم
در ساحل چپ ویستول، جلو رفته و برسلاو (Breslau) نیز مورد تهدید واقع

شده بود لذا این مسائل هیندنبورگ را بر آن داشت که مجدداً در صدد پس نشانیدن روسها بجانب شرق یعنی بسمت «ورشو» بر آید بطوریکه ضربت را با احاطه جناح راست روسها بین رودخانه «وارنا» و «ویستول» بایشان وارد سازد.

برای این منظور هیندنبورگ مخفیانه پنج سپاه پیاده و یک سپاه سوار (که قسمتی از «چنتوخواو» و قسمتی از پروس شرقی برداشته بود) بقضای بین «ویستول» و «وارنا» سوق داد، و بدین طریق، در مقابل جناح مکشوف روسها قوای مهمی جمع کرد.

هیندنبورگ در نظر داشت که بعملیات خود بر ضد روسها توسعه داده و بروسبه شکست قطعی وارد سازد. ولی برای این مقصود احتیاج بقوای امدادی از جبهه فرانسه داشت و در آن موقع هم در آنجبهه برد «فلاندر» در جریان بود.

در این اوان فالکن هاین (Falkenhayn) با دو موضوع مواجه میشد: یا اجرای نقشه اساسی جنگ را ادامه دهد یعنی شکست قطعی را در صحنه فرانسه وارد سازد و یا با هیندنبورگ موافقت کرده و قوای مقابل فرانسه را ضعیف نموده شکست قطعی را روسبه وارد آورد تا اینکه آن دولت را مجبور بصلح جداگانه نماید و یا لااقل نیروی او را برای مدت مدیدی بداخله کشور پس بنشانند.

فالکن هاین هر دو شق را در نظر گرفت و صحنه فرانسه را کماکان صحنه عمده محسوب داشت، ضمناً حاضر شد که تاحدی با تقاضای هیندنبورگ نیز مساعدت کند. لذا ۷ لشکر پیاده و یک لشکر سوار بجانب شرق اعزام نمود، ولی یک قسمت از آنها دیر رسیدند یعنی هنگامی که دیگر جریان عملیات چاره پذیر نبود.

این چهار سپاه میتوانند جنبه جدی تری بعملیات بدهند ولی، بدیهی است، که قادر بخارج حاکم کردن روسبه از عرصه جنگ بین الملل نبودند، در این حال اعزام آنها باعث شد که آلمانها در «فلاندر» ضعیف شده و موفقیت حاصل نکردند.

مقارن ۱۰ نوامبر، یعنی تا آغاز عملیات متقین، وضع طرفین از اینقرار بود:

در پروس شرقی ارتش دهم روس (۶ سپاه و ۸ لشکر سوار) در جبهه ویلکالن - آریس ، در مقابل ارتش هشتم آلمان (۱ سپاه و یک لشکر سوار) که در موضع مستحکم دریاچه های « مازوری » و رودخانه « آنگراپ » واقع بود استقرار داشت . در سرحد جنوبی پروس : ارتش یکم روس (۴ سپاه و ۳ لشکر سوار) در جبهه ملاوا - ولونسلاوسک (Mlawa-Wlozlawek) (که فقط یک سپاه آن در ساحل چپ ویستول بود) در مقابل یک سپاه پیاده و یک سپاه سوار نظام آلمان در نساستروو (Zastrow) در نزدیکی سلدائو (Soldau) مستقر شده بود .

در ساحل چپ ویستول : بین نرن و ورشن (Thorn-Wreschen) تمام ارتش ۹ آلمان (۱ سپاه پیاده و یک سپاه سوار C.C Richthofen) قرار گرفته بود ، در مقابل آن قوای روس متوقف در نزدیکی ولونسلاوسک (Wlozlawek) قدری بیش از یک سپاه از ارتش یکم روس . در جبهه گالیس - کمپن (Kalisch-Kempen) دو سپاه پیاده آلمان (C. Posen-C. Breslau) و یک سپاه سوار (C. C. Frommel) قرار گرفته بود ، در جبهه « ولون - چنستوخوو » (Wielun-Czenstochau) پیش از دو سپاه آلمان (سپاه ویرش Woyrsch - لشکر ۳۵ و لشکر احتیاط کارد و نیپ لادور D. L. Bredow) متوقف بود که ۴ لشکر پیاده و ۳ لشکر سوار اطریش (Böhm-Ermolli) با ایشان ملحق میگردد ، در مقابل آنها در جبهه « اونه او » - پرزد برژ» دو ارتش روس (۵ و ۲) که عبارت بود از ۸ سپاه و ۵ لشکر سوار قرار داشت . در جنوب « چنستوخوو » در خطه کراکوی ، بعد در ساحل راست ویستول ، تا میسلیتسه (Myslenice) ارتشهای یکم و چهارم اطریش قرار گرفته بودند و در مقابل آنها ارتش ۴ و ۹ روس که با قوای اطریش تقریباً مساوی بود (۹ سپاه روس در مقابل ۸ سپاه اطریش) در جبهه پرزد برژ - مخوفدونا پوتس (Przedborz-Meischow-Dunajec) استقرار داشت .

در گالیسی و کارپات قوای متخاصم مساوی بود. از طرف متحدین در این حدود دوارتس اطریش: سوم وارتن پلاتسربالانین (Pflanzer-Baltin) در کارپات تا مهر توخلا (Toukhla) داخل عملیات بودند. از طرف روسها ارتشهای ۸ و ۳ از دو بایوتس تا استانیسلاو (Dunajec - Stanislau) عملیات میکردند.

این تقسیم بندی قوا قدری بروسها در پروس شرقی توفق میداد (قریب ۲ سپاه و عدهای سوار) ، در مقابل «گراگوی» و در گالیسی هم تاحدی روسها توفق داشتند ولی بین «اونه او» پرژدبورژ» قوای طرفین تقریباً مساوی بود (در این حدود گروه «چنستوخوو» متحدین در مقابل ارتش پنجم بلکه قدری هم در مقابل ارتش ۱ روس مجبور بعملیات بود). در ناحیه بین «ویستول» و «وارتا» پنج سپاه آلمان در مقابل یک سپاه روس قرار گرفته بود. باین مقایسه بایستی چندین مواضع مستحکم متحدین را نیز علاوه کرد، در صورتیکه روسها فاقد آن بودند و همچنین متحدین خطوط آهن مفصل داشتند در صورتیکه روسها از این حیث بسیار ضعیف بودند و در ساحل چپ «ویستول» خطوط بیمه خرابی داشتند. باین جهت نمیتوان بطور قطع اظهار کرد که روسها در عملیات «لدزه» مقابل آلمانیها توفق عددی خیلی زیادی داشتند، بلکه قوای طرفین در این عملیات مساوی بود ولی تقسیم بندی و هدایت آنها تفاوت داشت حتی میزان خستگی آنها هم فرق میکرد.

هیند بورگ در این قبیل موارد در صدد بود که در ساحل چپ «ویستول» بروسها ضربت قاطعی وارد سازد که به نقطه آنها را کاملاً متوقف میساخت و از تعرض باز میداشت بلکه نیروی آنها را بکلی متلاشی میکرد. نقشه مشارالیه اصولاً عبارت بود: جلوگیری از روسها در تمام طول جبهه و وارد ساختن ضربت شدید به پهلوئ گروه ساحل چپ آنها در فاصله بین «ویستول» و «وارتا».

برای انجام آن نقشه دستورات ذیل صادر شد.

ارتش ۸ پوشش پروس شرقی را عهده دار میگردد، ارتش ۹ (ماککزنن Mackensen) مرکب از ۵ سپاه پیاده و یک سپاه سوار در خط ترن - ورشن (Thorn-Wreschen) باز شده و با جدیت فوق العاده در جبهه ولونسلاوسک - دُنبه (Wlozlawek - Dombe) اقدام بتعرض میکند و بخط عقب نشینی ارتش ۲ روس

نجاوزمی نماید . بعد در سمت جنوب ، در بقیه خط جبهه در لهستان و در گالیسی ، قوای اطریش و آلمان موقتاً از تعرض روسها جلوگیری میکنند تا پس از خاتمه تقسیم بندی قوای اطریش نیز اقدام بتعرض نمایند .

ژنرال ماکنزن (Mackensen) عجله داشت ، تا تعرض آنها برای روسها غیر منتظر است ، زودتر شروع بعملیات کند لذا روز ۱۱ نوامبر ، سپاههای خود امر بتعرض صادر نمود ، در صورتیکه سپاههای «پوزنان و برسلاو» و گروه هم ارملی (Böhm-Ermolli) هنوز مناطق مقرر را اشغال نکرده بودند .

فرماندهی کل نیروی روس در همان موقع با اجرای نقشه نهاجم در پروس شرقی که از آغاز جنگ منظور نظرش بود پرداخت .

روسها در نظر داشتند که بدون توقف به خط مبدأ پیشرفته و از آنجا برای نهاجم عمیق بداخل آلمان اقدام کنند . آنچه مبدأ انتخابی از قرار ذیل بود :

پاروچین - کمپن - کاتوویتس - اوسوتسیم (Jarotschin-Kempen)
(Kattowitz-Oswetzim) و مقرر شد در صورتیکه دشمن از این تعرض جلوگیری نماید در هم شکسته شود . روسها گمان میکردند خطرناکترین گروه دشمن قوای متوقف آنها در ناحیه «چنستوخوو» است ، که برای حمله بان، ارتش ۵ و ۵ مأمور شد (۷ سپاه) و ضمناً مقرر بود در سمت راست خود از مساعدت ارتش ۲ ، که بسمت «گالیس» پیش میرفت ، و از سمت چپ از ارتش ۹ ، که عملیات را از جانب «کراکوی» تأمین میکرد استفاده نمایند ، سایر ارتشها بترتیب ذیل مأمور حفظ پهلوها بودند : ارتش ۱۰ و یکم از طرف پروس شرقی و گروه گالیسی از جانب هنگری .
برای آغاز تعرض بعدی روز ۱۴ نوامبر معین گردید .

نتیجه

طرفین با نظریات استراتژیک فوق داخل عملیات «لدز» شدند ، ضمناً باید علاوه کرد که آلمانها در ضمن عملیات ماقبل که نیروی روس را بسمت خود متوجه کرده بودند

تأخیری از تقسیم بندی آن اطلاع یافتند ، ولی برای روسها تمرکز قوای مهم دشمن بین « ویستول » و « وارتا » کاملاً غیر مترقب بود ، گرچه این بار قوای معظم سوار نظام روس گزارش نقل و انتقال قوای آلمانرا داده بود ، ولی مرکز فرماندهی کل باور نکرد .

متحدین دارای نقشه ای روشن و کاملاً ثابت و معین بودند که با تقسیم بندی نیروی دشمن تعلیق میکرد و نتایج قاطعی بدست میداد . ضمناً آلمانها اجرای مانور « طرز شلیفن » را که قدری خطرناک بود در نظر گرفتند . و در این مرتبه بوسیله سوق سپاه بجناح مکشوف و مواصلات ارتشهای روس آنها را تأمین نموده و اساس آنها بر فوق مانوری ارتشهای خود قرار دادند .

از طرف روسها ادامه عملیات بر ضد دشمن متحرک با همان تمرکز نیرو که طبیعتاً در مدت عملیات ممتد قبلی پیش آمده بود مشاهده میگردد که فاقد هر گونه تراکم قوا بوده و مأموریت محوله به ارتشها برای اشغال حدود نیز مبهم و بدون رعایت قوای دشمن بوده است . روسها در قبال نقشه جدی آلمانها که در صدد بودند با مشت قوی جناح و عقب سر آنها ضربت شدید وارد سازند در عوض آنکه با اجرای تقسیم بندی متناسب مبادرت کنند بتعیین خطوط و حدود غیر متحرک پرداختند .

خلاصه ، بایستی متذکر شد که در آغاز این عملیات تصادفی تمام عوامل پیشرفت و توفیق با آلمانها بود مشروط بر آنکه تعرض برق آسائی مبادرت می نمودند تا روسها غافلگیر شده مجال دفع آنها نداشته باشند .

جریان عملیات (نقشه شماره ۱۸)

تعرض پیش از موقع ما کثرن روز ۱۱ نوامبر ، با سپاه در جبهه وولونسلواوسک-دومبه (Wlozlawek-Dombe) هنگامیکه هنوز روسها تعرض خود را بسمت غرب شروع نکرده بودند کاملاً بزیان آلمانها تمام شد چه موجب گردید که فرماندهی نیروی روس تأخیری از مخاطره ای که پهلوئی راست او را تهدید میکرد آگاه شده

و در صدد جلوگیری از آن برآید. لذا موقیقه قوای معظم آلمان در ۱۴ نوامبر به کوتنو (Kutno) نزدیک شد، در بین رودخانه «ویستول» و نر (Ner) بجای یک سپاه (۵ سبیری) با ۲۰ سپاه روس برخورد نمود که مهبای پوشاندن «کوتنو» بودند، چه نقطه مزبور ارتباط بین ارتش یکم و دوّم و عقب سر آنرا تأمین میکرد. بعلاوه، بتمام ارتش ۲ روس امر شده بود که آن روز، در عوض تعرض بسمت غرب، بجانب شمال حرکت کند، و ارتش یکم هم سپاه ۶ سبیری را از ساحل راست «ویستول» بساحل چپ اعزام میداشت.

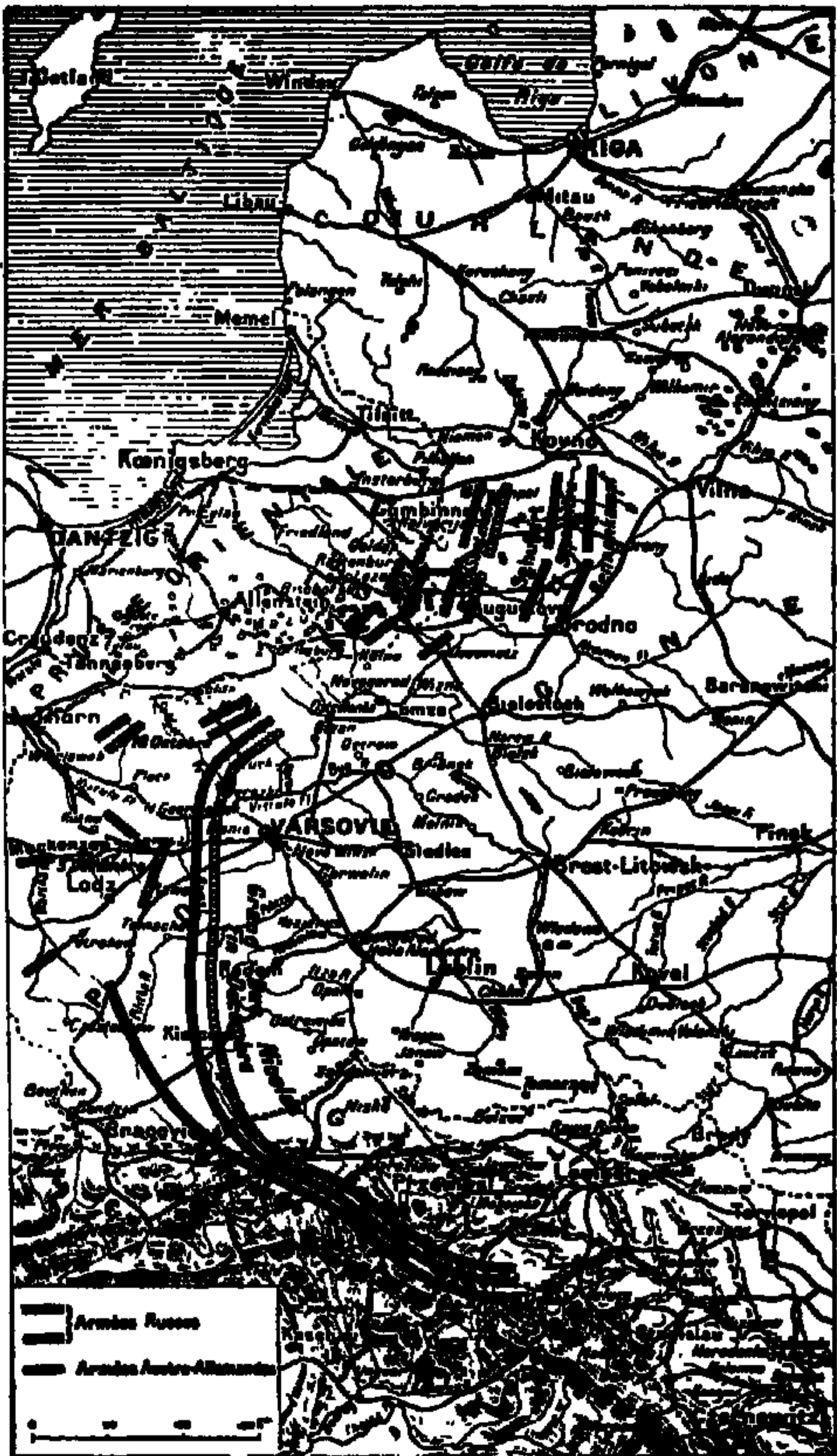
لذا نبرد کوتنو (Kutno)، بموض یکروزه، سه شبانه روز طول کشید. گرچه آلمانها فاتح شده و حتی بدخول در فاصله بین ارتش یکم و دوّم روس بزموفق گشتند ولی در اثر آن نبرد وضعیت استراتژیکی، برخلاف وضع مساعدیکه آلمانها در آغاز عملیات داشتند، نریان آنها تغییر یافت. ارتش ۹ آلمان که قوای مرکزیش (سپاه ۲۵-۲۰ و قدری از سپاه ۱۷) روز ۱۷ نوامبر در خط رودخانه بزورا (Bzura) بین لوویچ (Lowicz) و لنچیتسا (Lentchyca) واقع شده بود، قوای روس را در پهلوهای خود بترتیب ذیل حس میکرد: در پهلوی چپ، کنار «ویستول»، مقابل یک سپاه آلمان: ۳ سپاه روس (۵-۶ سبیری - سپاه ۲)، و در شمال غرب «اندز»، در برابر یک سپاه آلمان (۱۱) سه سپاه روس (۲ سبیری - ۲ - ۲۳) واقع بود. در سایر نقاط تمام ارتش دوّم و یک قسمت از ارتش ۵ روس، که بسمت غرب پیش رفته بود، بمنظور مسدود کردن شکاف حاصه، جبهه خود را بطرف شمال و شمال غرب تغییر میداد.

اکنون مقارن خانمه نبرد کوتنو (Kutno) و تصرف آن از طرف آلمانها، بایستی نقشه آلمانها را با آن مقیاس بررسی کنیم که لودندرف در نظر گرفته بود و از کون شده محسوب داشت زیرا برای اجرای آن، موقع مناسب از دست رفته بود و دیگر آلمانها دارای تفوق عددی لازم نبودند. در مبارزات بعدی فقط پیشرفت های محدودی برای آنها امکان پذیر بود.

با آن طرز تقسیم بندی که برای قوا پیش آمده بود ظاهراً دو مرکز مبارزه را برای آنبه پیش گوئی میکرد: یکی در سمت لویچ (Lowicz) و اسکر نویسی (Skierniewice) که مراکز راه آهن بودند و تصرف آنها باعث قطع ارتباط ارتش ۲ با ورشو، میکردید، (چهاره های حمل تدارکات و قوای امدادی بود)، و دیگری سمت لنجیتسا - برزینا (Lentchyca-Brezina) بود که باعث محاصره ارتش ۲ میشد. مبارزات بعدی در پیرامون این نقطه تمرکز می یافت. ولی آلمانها بسمت مهم لویچ، کمتر توجه کرده و منحصرأ بمحاصره ارتش ۲ پرداختند.

آلمانها در مقابل ارتش یکم روس در جبهه «ویستول - لویچ» فقط سپاه یکم احتیاط و سوار را قرار داده و آن قسستها با متوجه ساختن فشار خود بسمت سوخاچو (Sochaczew) روسها را قادر ساختند که در نزدیکی لویچ، گروهی قریب بدو سپاه تمرکز دهند، آن گروه روز ۱۹، بمنظور استقرار جبهه سر تا سر با ارتش ۲، اقدام بیک تعرض آهسته ای سمت استریکو (Strykow) و «لدز» نمود. آلمانها ۲ سپاه بشکاف سمت برزینی (Brzeziny) روانه کردند و آن سپاهها از طرف سپاه ۱۷ اعزامی برضد «زکز» و از طرف سپاه ۱۱ اعزامی از سمت شمال غرب برسد «لدز» پشتیبانی میشدند. معیناً، روسها نواستند در روز ۱۹ نوامبر دو سپاه در مشرق «لدز» بین آندرسپل (Andrespol) و دومبروا (Dombrowa) جبهه مشرق، یک سپاه در شمال «لدز» جبهه بسمت «زکز» و دو سپاه جبهه بشمال غرب، از «آلساندرو نایولیا» برضد سپاه ۱۱ آلمان تمرکز دهند. از سپاه های «پوزنان و برسلانو» که نزدیک میشدند روسها بوسیله سپاه ۱۹ و قسمت سوار که در مغرب «لاسک» باز شده بود جلوگیری مینمودند.

بالاخره در اثر تقسیم بندی حاصله، و عملیات متفق و مجدداً قوای آلمان و بواسطه عملیات متفرق بایوسته به ارتش روس که تحت فرماندهی سه فرمانده ارتش و یک فرمانده جبهه و قرار گاه کل هدایت میشد و در عوض کمک بهم، مانع



جبهه روس - تعرض آلمانها بسمت ورشو و عکس العمل روسها
از سپتامبر تا اکتوبر ۱۹۱۴
(مخبر شماره ۲۰۲)

یکدیگر بودند ، در عصر ۲۲ نوامبر اوضاع کلی در حدود «لدز» صورت ذیل را
بخود گرفت :

سپاه یکم احتیاطاً آلمان سمت تعرض خود را از شرق بغرب تغییر داده ، و به «لوپیچ»
نزدیک شد ، خطریکه باین نقطه مهم متوجه بود روسها را وادار کرد که مجبلاً از
قسمتهای مختلف تازه وارد ساخلوی «لوپیچ» را تشکیل بدهند و ساخلوی مزبور موفق
شد که آن نقطه مهم را در تصرف نگاهدارد .

ضمناً گروه ضربتی «لوپیچ» بجهت ذیل رسید : «ولیا» - «راگزینسکا» - «ستریکو» -
«برزینی» (Volia-Ragosinska-Strykow-Brzeziny) و عقب سر سپاه ۲۰ و قسمتی
از سپاه ۱۷ آلمان را که بر ضد «لدز» وارد عملیات بودند تهدید می نمود و مشغول ایجاد
جبهه سرتاسر با ارتش ۴ روس گردید . این موضوع بکقسمت از سپاه ۱۷ و ۲۰ آلمان را
مجبور کرد که جبهه خود را بسمت شمال شرق تغییر دهد و در مقابل گروه «لوپیچ»
بین «اسکشوی» - «شاوین» اشغال موضع نماید .

«لدز» در سمت شمال از سه طرف بطور نیم دایره از «کنستاتینو» کنار رود نر
(Ner) بسمت نیکولایو - لوگوبیکه - ماله و استوکی (Nikolaiev-Loghevnike)
(Male-Stoki) بوسیله ۳ سپاه روس (۲۳ - ۴ - ۲ سبیری) مدافعه میشد و در
مقابل آن سه سپاه آلمان (۱۱-۱۷-۲۰) واقع بود .

سپاه ۲۵ احتیاطاً و اشکر ۳ گارد احتیاط آلمان که داخل فاصله بین «لدز» و
«برزینا» شده بودند در طی حرکت خود نخست در جنوب غرب و بعد در غرب بمقاومت
سپاه های روس (یکم و یکم سبیری) در خط بدنه - رزگو (Bedone-Rzgov)
برخوردید . در اینجا توانستند جاده «لدز» - «پتروکو» (Lodz-Petrokow) را
صرف کرده و «پتروکو» را نیز مورد تهدید قرار دهند . ولی در همان حال قسمتهای
سپاه یکم سبیری و پنجم (از ارتش ۵ روس) بآن حدود رسیده بودند .

بالاخره سپاه های پوزنان و برسلانو و گروه اطریشی بم - ارملی (Böhm-Ermolli)

هم بجهت سرادز - نوورادمسک (Sieradz-Noworadomsk) نزدیک میشدند .
روسها در مقابل آن فقط سپاه ۱۹ را در نزدیکی لاسک (Lask) و دستجات سوار
ویک تیپ گرنادیه از ارتش ۴ در نوورادمسک (Nowo-Radomsk) داشتند .

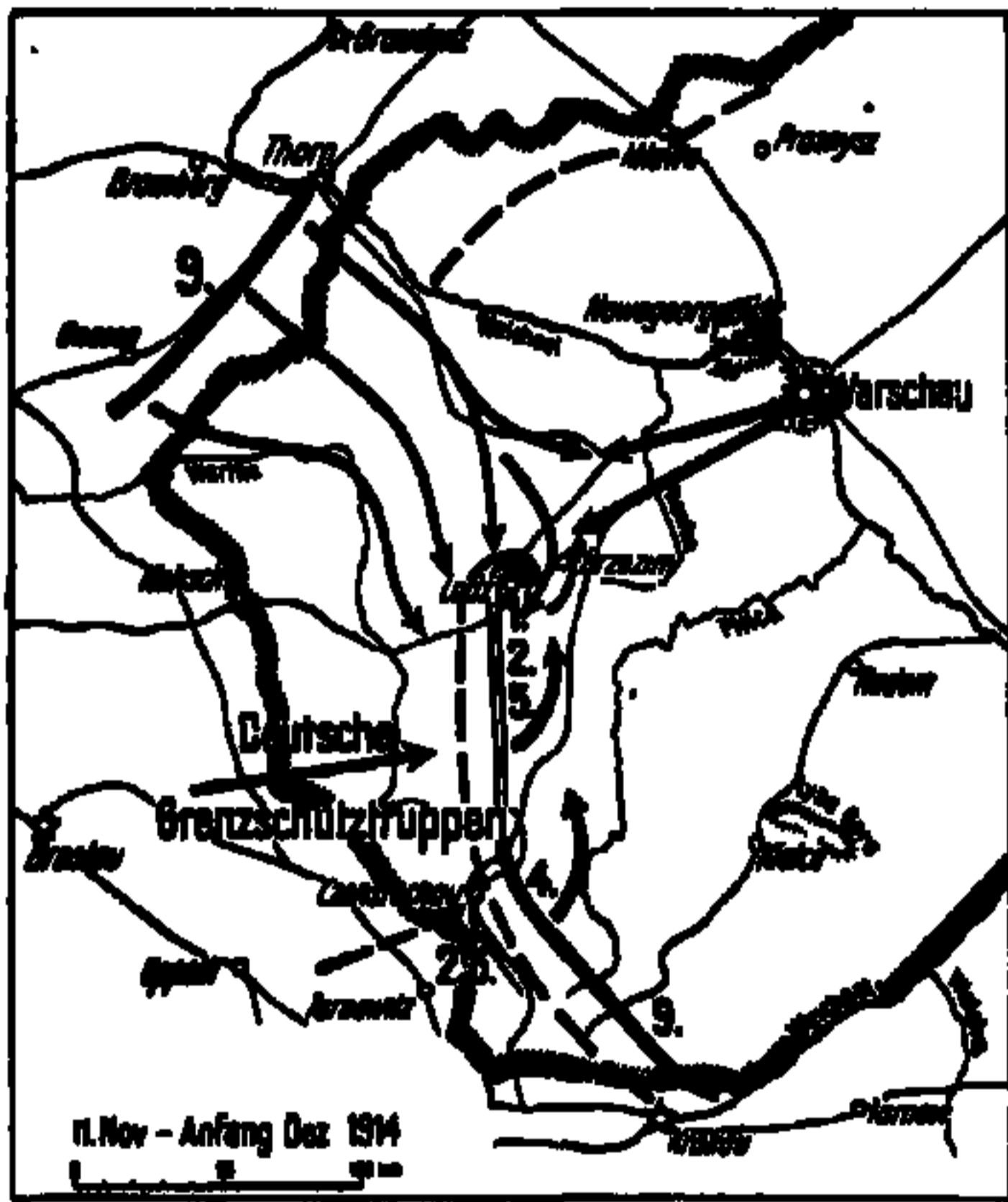
وضعیت طرفین هنگامی که سپاه ۲۵ احتیاط و لشکر ۳ گارد احتیاط آلمان در
شب ۲۲ نوامبر تصمیم بقطع حملات بعدی و خلاصی خود از دایره محاصره روسها
گرفتند بقرار فوق بود ، زیرا که آلمانها علاوه بر قسمتهای فوق از طرف قوای
سوار نیز در محاصره بودند (نقشه شماره ۱۹) .

آلمانها برای خارج کردن خود از محاصره سمت شمال را انتخاب نمودند
و شب ۲۴ نوامبر ، در نتیجه وضعی که در ارتش روس بواسطه فرمانروائی چندین رئیس
حاصل شده بود ، لشکر ۶ ضعیف سیری را در نزدیکی «رزینا» درهم شکسته و داخل
فاصله بین سپاه ۱۷ و ۲۰ شدید . آلمانها دوره بحران را طی نمودند ولی بمحاصره
ارتش ۲ روس موفق نگشتند .

جبهه آلمان بدین طریق صورت جمعتری به خود گرفت بعلاوه از جبهه فرانسه
۴ سپاه بکمک هیندبورگ رسید .

هیندبورگ از رسیدن قوای امدادی استفاده نمود و تصمیم گرفت که عدم
موفقیت حاصله در محاصره ارتش ۲ روس را جبران سازد و بتعرض در سمت «ورشو»
مبادرت کند ، ولی این تعرض فقط جبهه ای بود .

از طرف دیگر ، ژرال «روزسکی» مصرأ از مرکز فرماندهی کل تقاضای عقب
بردن ارتشهای ۲ و ۵ را که زیاد فرسوده گشته و امور تدارکات و مهمات آنها
مختل شده بود مینمود که بدین وسیله ارتشهای مزبور را مجدداً برای جنگ آماده
کند . لذا فرماندهی کل روز ۳۰ نوامبر دستور داد که ارتشهای ساحل چپ بجهت
«ایلو» - «وماشو» و رودخانه «لیدا» باموضع چهاررود یعنی : «بزورا» - «راوا» - «یلینسا» -
«لیدا» (نقشه شماره ۱۷) عقب نشینی کنند چه در آنجا بواسطه باریکی جبهه ، ارتشها
میتوانستند تجدید تقسیم بندی نموده و قوای احتیاطی لازم را تعیین کنند .



- - - - -
 (از ۱۱ نوامبر تا آغاز دسامبر ۱۹۱۴)
 (مقول منطبقه ۲۰۸)

پس از مدتی بررسی که در اثر تقاضای «روزسکی» واجع بعقب نشینی بکنار «ویستول» و در اثر تقاضای «ایواف» برای باقی گذاردن آن ارتشها در محل خود بعمل آمد، ارتشهای ساحل چپ روس تا ۱۸ دسامبر بجهت سوخاچو- راول- اپچنو- مولوگشچ- رودلیدا (Sochaczew-Rawa-Opoczno-Mologosh-Nida) عقب نشستند، و در آنجا عملیات جنگی تدریجاً خاموش شده و طرفین شروع بآرایش زمین و فرو رفتن دوسنگرها نمودند. (نقشه شماره ۱۷-۱۹).

تذکره

آلمانیها از عملیات «لدز» نتایجی را که انتظار داشتند بدست نیاوردند یعنی نتوانستند که لااقل ارتش ۲ یا یکم روس را نابود سازند. علت آنهم معین است: زیرا سانحه‌ای که برای ارتش «سامسوف» رخ داد و آنرا نابود ساخت ممکن است در هر قرنی یکبار پیش آمد کند، اجرای مکرر يك نوع نقشه معین عملیاتی محسنات خود را از دست میدهد چه دشمن برای جلوگیری از آن تدابیری میانندیشید. ولی در هر صورت پیشرفت استراتژی کلیه عملیات با آلمانیها بود زیرا نه فقط موفق شدند که روسها را مجبور بچشم پوشیدن از تعرض پروس شرقی نمایند بلکه ایشانرا وادار بر رفتن بسمت شرق بنزدیکی «ویستول» کردند.

راست است، که آلمانیها با فداکاری عظیم و خطر نابود شدن دو سپاه خود باین توفیق نائل آمدند، زیرا هدایت عملیات از طرف ژنرال روزسکی بسیار منفی بوده است چه گذاشت آلمانیها از محاصره نجات یابند، ولی هیندنبورگ موفق شد که استعداد جنگی ارتشهای ۲ و ۵ روس را متزلزل سازد، و بالتیجه «روزسکی» ناگزیر تقاضای عقب بردن ارتشهای مزبور را پشت رود «بزورا» (Bzura) نمود.

نتایج رضایت بخشی که متفقین از این عملیات بدست آوردند نه تنها عبارت از انتقال ۴ سپاه دیگر آلمان از جهت فرانسه بسمت «لدز» بود، بلکه صحنه روس برای آلمانیها کسب اهمیت خاصی نمود که مجبور باعزام قوا و نگاهداری لیروی مهمی در آن صحنه گردیدند و دیگر نمیتوانستند عمل آنها را ناتمام بگذرانند.

طبیعتاً این مسائل بفتح صحنه فرانسه بود چه قوای آلمانها از آن صحنه تدریجاً کاسته میشد .

طرز اجرای عملیات از طرف آلمانها حاکی از محضات ذیل است :

نماین مقصود معین ، تمرکز قوای لازم برای اجرای آن ، جدیت ، خود کاری ، هدایت دقیق عملیات ، و استمداد مانوری کامل ارتش آنها . فقط میتوان خاطر نشان کرد که اگر آلمانها پس از نبرد کوتو (Kutno) ضربت اصلیرا بموض « لچینسا » (Lentchyca) و سمت جنوب با همان فداکاری به « لویچ » (Lowicz) و « ورشر » وارد میساختند تا بیج بهتری بدست میآوردند .

راجع بروسها که عملیات را با منقذ نرین شرایطی شروع کردند ، با آنکه از عهدۀ انجام آن برآمدند ، وای بایستی خاطر نشان کرد که عمل فرماندهی کل جبهه قابل تنقید بود چه وظایف سه فرمانده ارتش را ، مخلوط کرد و در اثر دخالتی که در دستورات آنها مینمود هدایت عملیات قطعی را بصورت ناقصی در میآورد .

و نیز بایستی متذکر شد که فرماندهی روس در این عملیات روش خاصی را اتخاذ کرده بود و آن علاقه مفراطی بود که فرماندهی مزبور تغییر دادن سمت ارتشها بطور مؤثر بر اراز میداشت ، در صورتیکه میتوانست تعداد سپاهی را که مورد احتیاج او بود از جبهه برداشته و از خطوط عقب سمت مطلوب کسپل دارد .

عملیات در پهلوها

عملیات در پهلوها در مدت مرحله جاری تقریباً بوضعیت استراتژی طرفین نظیری نداد .

در گالیسی اطریشها بسیار دیربندی در آغاز ماه دسامبر ، بتعرض مبادرت نمودند و موقتاً در محاربات لیمانوا (Limanowa) و نووساندس (Nowo Sandec) در مقابل ارتش ۳ روس که موقع عقب نشینی ارتش ۹ بکنار رود « نیدا » او نیز بکنار دونایوتس (Dunajec) عقب نشسته بود پیشرفت موقتی حاصل کردند . قوای روس وضع خود را بسمت مشرق در کارپات از « وی نیچ » بطرف

عملیات « لُدز »



زوال لیتسمان فرمانده لشکر ۳ آلمان با درهم شکستن لشکر ۶ سپهبری روس در سمت « برژه زینس » (Brzeziny) توای آلمانرا از محاصره روسها خارج ساخت و ۱۶ هزار اسیر نیز از آنها گرفت. بدین طریق پنج لشکر آلمان از محاصره نجات یافت .
(۲۴ نوامبر ۱۹۱۴)



حمله سوار نظام آلمان و اطرش به قزاقهای روس در ریدیسکی « لُدز ».

(مقاله صفحه ۲۰۶)

« نسنز - کویتسه - دوکلا - سانک - تورکا - نادورنا - سلین »
(Wisnicz-Ciezkowice-Dukla-Sanok-Turka-Nadworna-Seletine)
حفظ کرد.

در پروس شرقی در جبهه ارتش ۱۰ عملیات بر ضد ناحیه دریاچه‌ها تقریباً
جبهه جنگ موضعی بخود گرفته و دریک حال متوقف بود. در سمت « نارو » که
تأثیر بزرگی نسبت بعملیات « ورشو » داشت ، آلمانها در ماه دسامبر بمناسبت رسیدن
قوای امدادی ازجبهه فرانسه ، فعالیت عاملی بروز دادند .

در این سو معاربات در ناحیه پراسنیش (Prasnysz) بوقوع میوسته و شدت
بسیار داشت و حرکت روسها تا « ملاوا » و عقب لشینی سپاه ناسترو (Zastrow)
بخط « سلداو » - نیدنبورگ » ختم شد .

در اواخر ماه دسامبر در تمام جبهه روس آرامش حکمفرما گردید و طرفین
با کمال عجله بآرایش زمین و فرورفتن در سنگرها پرداختند . معهذا ، جنگ موضعی
در این صحنه نسبت بصحنه غرب صوت ملایمتری بخود گرفت .

صحنه غرب

عملیات « لدز » موضعی شروع شد که يك سلسله معاربات مانوری طولانی در
جبهه فرانسه خاتمه یافته بود و طرفین ، پس از رسیدن به دریا ، خواستند که در
« فلاندر » نیز بمعاربات جبهه‌ای پردازند ، ولی دچار ضعف گردیده و بدون اخذ
نتیجه مهمی در سنگرها جایگیر شدند .

با ترتیب فوق انتظار کمک از طرف فرماندهی فرانسه نسبت بجبهه روس بعید
بنظر میرسد .

معهذا ، ژنرال ژفر ، گرچه بسیار دیر ، (۸ دسامبر) ، امر داد که در سراسر
جبهه متفقین باجرای ضربتهای محلی مبادرت شود ، و در اثر آن هر چند قوای
آلمان سخت متزلزل گشت ، ولی نتایج قطعی حاصل نگردید و ممکن نشد که از
قل و انتقال چهار سپاه آلمان بجبهه روس جلو گیری بعمل آید ، فقط معاربات

مزبور ثابت کرد که در جنگ موضعی ضربت های جداگانه در سورنیک روی اصول دقیقی تنظیم نشده و بوسیله نوبخانه بر قدرتی پشتیبانی نگردند تا چه درجه بی حاصل است .

جبهه صربستان (نقشه شماره ۵)

صربها پس از نخلیه «بلگراد» و عقب نشینی بارقاعات رودنیک (Roudnik) و کوسمای (Kosmai) موفق باخذ نوبخانه و مهمات از متفقین گشته و مصمم شدند که مجدداً بر ضد ارتشهای اطریش که داخل کشور شده بودند باعرض مبادرت کنند. در ۳ دسامبر صربها در زیر پوشش مه بوسیله ارتش یکم خود از ارتفاعات «رودنیک» اقدام بحماة «پهورا» کرده و شکست فاحشی باطربشها وارد ساختند و آنها را تا کنار «درینا» تعاقب نمودند . پس از تأمین فتح در این حدود ، ارتش های ۲ و ۳ صربستان نیز نوبه خود بنعرض اقدام کردند ، و با اجرای گردش بازو چپ جناح چپ اطربشها را با کمال بی نظمی پشت «دانوب» عقب رانند و «بلگراد» را نجات دادند . از ۱۳ دسامبر صربستان مجدداً از وجود خصم پاك شد و به ارتشهای اطریش شکست فاحشی وارد آمد و صربها مقدار زیادی غنائم جنگی و اسیر بدست آوردند .

این شکست برای متحدین بسیار محسوس واقع گردید ، چه صربستان از لحاظ ارتباط مستقیم دول مرکزی با عثمانی بمنزله سدئی محسوب میشد . تا پائیز ۱۹۱۵ عملیات جنگی در صحنه بالکان خاموش گردید .

عملیات دریائی

عملیات دریائی متفقین در این مرحله عبارت بود از تشریک مساعی در تصرف مستعمرات افریقائی آلمان ، رساندن ذخائر صربستان و «منتگرو» ، استقرار محاصره کامل دریای آدریاتیک ، بمباردمان استحکامات داردال ، تشکیل ناو بخش توانای ، چارداال جبهه عملیات آبی در آجا و برای جنگ رزم ناوها .



بندر یادشاه سرریستان در جهه
(مابعد صحنه ۱۳۳۳) (۲۰۸)

مرکز این جنگ دریائی مبارزه با ناو بخش مقتدر دریا سالار اسپه (Spee) است که مرکب بود از رزم ناو های آلمان ، ناو بخش مزبور روز اول نوامبر در سواحل شیلی (Chili) شکست فاحشی در محاربه کورنل (Coronel) بناو بخش انگلیس تحت فرماندهی دریا سالار «گرادوک» وارد ساخت ولی خود او هم در ۷ دسامبر نزدیک جزایر فالکاند (Falkand) از طرف ناو بخش دریا سالار «اشتروده» دچار شکست گردید و سه ناو از بهترین ناو های خویش را از دست داد .

اصولاً جنگ رزم ناو در شرایط متفاوتی انجام میگرفت. رزم ناو های آلمان چون نمیتوانستند بناوگان خود که در آب های داخلی محبوس بود متکی باشند لذا تدریجاً نابود میشدند. بدین طریق ، عمل رزم ناو های آنها تا آغاز سال ۱۹۱۵ بضر رسید و مبارزه دریائی را بعداً بصورت جنگ زیر دریائی تجدید نمودند .

جنگ مستعمراتی

جنگ مستعمراتی برای تصرف مستعمرات افریقائی در پائیز ۱۹۱۴ شروع شد و بعضی از آن چند سالی ادامه داشت . چون مبارزه در افریقا با سایر عملیات جنگی ارتباطی ندارد ، لذا ما شرح تمام آن مبارزه را یکجا در آخر سال ۱۹۱۴ که آغاز آنست ، قرار میدهیم :

مبارزه برای تصرف کامرون

کامرون (Cameroun) (که قریب ۷۹۰ هزار کیلومتر مربع است) ، از قدیمی ترین مستعمرات افریقائی آلمان محسوب میشود ، این مستعمره پس از اختلاف آگادیر (Agadir) سال ۱۹۱۱ بوسیله کونگو (Congo) فرانسه توسعه یافته و نسبت به کونگو و او بانگی (Oubanghi) موقعیت تهدید آمیزی احراز کرد . بهمین علت آلمانها دفاع «کامرون» را بمنتهای درجه رسانده و زمامداران فرانسه و انگلیس نیز بانجا توجه خاصی مبذول میداشتند .

دفاع مستعمره مزبور بوسیله استحکامات و قلاع کوچکی که تعداد آن بیش از ۴۰ بود و تسلیحات کاملی را داشت تأمین میگشت ، استحکامات مزبور بمنزله تکیه گاه برای ارتش آنجا بود (که به ۹ هزار تیر انداز بومی با ۲ هزار کادر اروپائی بالغ میگردد) ، جنگل های منطقه حاره و جاده های مختصر ارا به رو نیز بدفاع آن کمک میکرد .

نقشه متفقین عبارت بود از محاصره دکامرون ، از سمت دریا و از طرف خشکی در طول بیش از ۴ هزار کیلو متر و تنگ کردن تدریجی این دایره محاصره . لذا سوق قواری بطریق ذیل تشکیل دادند :

در شمال ستون فرانسوی از چاد (Tchad) و ستون انگلیس از نیژریا (Nigeria) قرار بود که مرکز مهم شمال کامرون یعنی گاروا (Garoua) را تصرف کنند . در شرق دو ستون فرانسوی از زینگا (Zingha) و بنگا (Bongha) بسمت یاونده (Yaoundé) که مرکز است حرکت میکردند . از طرف جنوب دو ستون از کنگوی فرانسه بکامرون جنوبی داخل شده و قرار بود که از سمت دریا قوای فرانسه و انگلیس مرکز تجارنی دوالا (Douala) و ساحل را تصرف کند . ستونهای شمالی روز ۵ ژانویه ۱۹۱۵ به گاروا (Garoua) نزدیک شدند ولی جرئت نکردند که بآن نقطه مستحکم برش آورند ، لذا آنرا محاصره نمودند فقط پس از چهار ماه محاصره ساخلوی آلمانی آن (۷۰۰ نفر) پس از تمام شدن تمام ذخائرش در روز ۱۱ ژوئن ۱۹۱۵ تسلیم شد .

ستونهای شرقی در نظر گرفتند که قبلاً با یکدیگر ارتباط برقرار کنند پس از آن بطرف یاونده (Yaoundé) پیشروی نمایند . ستونی که از زینگا خارج شد در آخر ماه دسامبر ۱۹۱۴ به برتوا (Bertoua) رسید ، و از آنجا پس از ۵ ماه استراحت در ماه ژوئیه ۱۹۱۵ به دومه (Doumé) رسیده و از مشرق شروع باحاطه فلات « یاونده » نمود . ستونیکه از بنگا (Bongha)

حرکت کرد در خط جریان رودخانه «شانگا» (Shangha) بسمت بالا عازم شده و در «اواسو» (Ouesso) منتظر قوای امدادی جدید گردیده، روز ۱۵ ژوئیه به «لومیه» (Lomié) رسیده، در آنجا با ستون شمالی ارتباط حاصل نمود.

ستونهای جنوبی در نیمه ماه ژوئیه ۱۹۱۵ به «بتام» (Bitam) و «آکوآفیم» (Akoafim) رسیده و قطعه جنگی جنوبی «کامرون» را اشغال کردند.

ستون ساحلی، که قویتر از سایرین بود (قریب ۳ هزار نفر) روز ۲۸ سپتامبر ۱۹۱۴، پس از سه روز بمباردمان بوسیله ناوگان، بندر «دوآلا» (Douala) را تصرف کرد، پس از آن تقسیم گردید:

انگلیسها در طول خط آهن بسمت شمال حرکت کرده و فرانسویها بطرف مشرق رفتند. انگلیسها روز ۱۰ دسامبر آخرین نقطه راه آهن یعنی باره (Baré) را متصرف شدند، فرانسویها با زحمات زیاد تا اکتبر ۱۹۱۵ بنقطه آخر راه آهن یعنی «ایزکا» (Iseka) رسیدند.

بدین طریق، تا آخر سال ۱۹۱۵ ستونهای متفقین از همه طرف مرکز مستملکات آلمان یعنی فلات «یاوند» (Yaoundé) را تحت فشار قرار داده و در ژانویه ۱۹۱۶ آنرا تصرف کردند، و پس از آن تمام «کامرون» مسخر گردید.

مستعمرات جنوب غربی آلمان در افریقا

مستعمرات جنوب غربی آلمان در افریقا (بمساحت ۸۳۵ هزار کیلومتر مربع با ۲۰۰ هزار جمعیت بومی و ۱۴۹ هزار اروپائی) برای انگلیسها نهایت اهمیتتر داشت زیرا با مستملکات آنها «ترانسوال» و رود «اراز» (Orange) اتصال پیدا میکرد. در آغاز جنگ آلمانها اراضی کوچک «والفیش بای» (Walfisch-bay) را تصرف کردند و خواستند در «ترانسوال» و حدود رودخانه «اراز» بر علیه انگلیسها قیامی برپا کنند. ولی انگلیسها سریعاً انتظام را برقرار کردند؛ در ماه نوامبر ۱۹۱۴ انگلیسها با کمک نیروی دریائی «شواکو پموند» و «لودرینسبوخ» را که نقاط اولیه راه آهن بود تصرف کردند، پس از آن قوای در طول راه آهن بریاست